

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

بازتایپ و ارسال از: لاله

## تاریخ حزب کار البانی

انستیتیوی تحقیقات مارکسیستی لنینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار البانی  
چاپ «نعم فر اشری» تیرانا ۱۹۶۹

### بخش هفتاد و چهارم

۲۰ مارچ ۲۰۱۵

#### در هم ریختن نقشه های دشمنان داخلی و خارجی

امپریالیست ها و رویزیونیست های یوگوسلاوی کوشیدند تا از کلیه دشواری های بزرگ اقتصادی که پس از چرخش تاریخی کنگره اول برای کشور البانی پیش آمد با کلیه وسائل بهره برداری کنند. آنها می پنداشتند که حزب کار البانی از عهده مقابله با اوضاع وخیمی که محصول دسائس آنها بود بر نخواهد آمد. مساعدترین موقع فرا رسیده است که نقشه های شوم خویش را در مورد البانی که پس از خیانت آشکار تیتو از لحاظ جغرافیائی در محاصره کشور های دشمن افتاده بود، به اجراء در آورند.

رادیو و مطبوعات امریکا، انگلستان، یوگوسلاوی، یونان و غیره به تبلیغات لگام گسیخته سرشار از افتراء و دروغ به ضد جمهوری توده ئی البانی که او را «تجاوز کار» می نامیدند دست زدند. مراکز جاسوسی امپریالیست ها و یوگوسلاوی دایماً از راه هوا و راه های دیگر تراکت هائی پخش می کردند و خلق البانی را به قیام به ضد حزب و دولت فرا می خواندند.

دشمنان خارجی در عین تعقیب فعالیت تبلیغاتی خویش، مرتجعان البانی را که به خارجه گریخته بودند گرد می آوردند و سازمان می دادند. امپریالیست ها و رویزیونیست های یوگوسلاوی با مرتجعان مذکور سازمان های جدید خرابکار به وجود آوردند و کنفرانس های خاصی تشکیل دادند تا در آنجا اقدامات مشترکی را طرح ریزی کنند. صد ها البانی که به خارج گریخته بودند به عنوان عوامل خرابکار به البانی فرستاده شدند.

در طول مرزهای کشور ما، از طریق هوا، از طریق زمین و از طریق دریا پشت سر هم فتنه ها انگیزته می شد و هدف این فعالیت وسیع آن بود که زمینه را برای حملات مسلح مستقیم به ضد جمهوری توده ئی البانی آماده گردانند. به ویژه فعالیت های جاسوسی گسترش یافت. مراکز جاسوسی امریکا، انگلستان، ایتالیا، یونان و یوگوسلاوی نقشه ها و دسائس خویش را به ضد البانی هماهنگ ساختند.

رهبری رویزیونیست یوگوسلاوی با دست هیأت دیپلماتیک خویش در تیرانا، جاسوسان خود را در البانی به فعالیت در آورد و هیأت مذکور به صورت مرکز سازماندهی عملیات اغفالگری و خرابکاری اقتصادی در آمد که گذار اتباع البانی را به یوگوسلاوی با توسل به تبلیغ و ارباب سازمان می داد.

عوامل جاسوسی خارجی با جنایتکاران فراری در کشور تماس گرفتند و آنها را به مثابه ایادی خویش برای ارتکاب ترور، قتل فعالان حزب و دولت و از آن جمله قتل نماینده مجلس توده ئی، باردوک بیبه، دبیر اول کمیته حزب در منطقه میردیت به کار انداختند. عوامل جاسوسی خارجی، جنایتکاران را به آتش زدن مغازه های کتو پراتیو های کشاورزی، دفاتر اداری و مدارس روستائی واداشتند.

رهبران تینیست در عرصه دیپلماتیک به هرگونه اعمال فشار و شانتاژ دست زدند تا مگر جمهوری توده ئی البانی را منفرد گردانند. آنها حمل و نقل هوائی بین جمهوری توده ئی البانی و سایر کشور های سوسیالیستی را قطع کردند، قرار داد دوستی، همکاری و کمک متقابل بین یوگوسلاوی و البانی را یک جانبه بر هم زدند و طلبیدند که هیأت نمایندگی البانی در بلغراد آن را ترک گوید.

دشمنان طبقاتی در داخل کشور که دیدند فعالیت امپریالیست ها و رویزیونیست ها گسترش یافته است ترغیب شدند و به هر دری زدند تا محیط ترس و عدم اطمینان به وجود آورند. آنها شعار هائی از این قبیل پخش کردند: «به زودی جنگ آغاز خواهد شد»، «در داخل دولت و کمیته مرکزی اختلاف وجود دارد»، «به زودی وضع تغییر خواهد کرد» و غیره...

ارتجاع داخلی از مبارزه حزب با دسائس رهبران یوگوسلاوی و گروه کوچی جو جی نیز در راه اجرای اغراض خویش بهره داشت. عناصر خصومت پیشه با استفاده از اشتباهات گذشته در صدد بر آمدند که مشی حزب را در مجموعه خود از ریشه بزنند. کسانی که به حق از رفرم ها و قوانین قدرت توده ئی ضربه دیده بودند با این ادعا بر خاستند که به ناحق لطمه دیده اند و با این عنوان که خواهان جبران «کلیه صدمات وارده» اند، «در اندیشه سر نوشت خلق اند»، انتقاد از اشتباهات گذشته را به صورت اتهامات به ضد اعضای حزب و ارگان های محلی قدرت در آوردند تا آنان را منفرد گردانند و خصومت توده ها را علیه آنان بر انگیزند. کسانی کوشیدند که نام کمونیست ها را از فهرست نامزد های شورای توده ئی حذف کنند، در صدد بر آمدند که سمت مبارزه طبقاتی را عوض کنند و حملات حزب و خلق را به سوی ارگان های امنیت متوجه گردانند. هشدار کنگره اول حاکی از این که دشمن حملات خود را بر روی ارگان های مذکور متمرکز خواهد ساخت از تاکتیک دشمن به موقع پرده برداشت و ارگان ها و اعضای امنیت را مورد دفاع قرار داده روش های اشتباه آمیز برخی از کمونیست ها را در این زمینه اصلاح کرد.

در چنین اوضاع و احوالی بود که روز ۲ اگست ۱۹۴۹ سپاهیان یونانی با پشتیبانی توپخانه و نیروی هوائی، ناگهان بر البانی حمله ور شدند و ۳۰۰ تا ۴۰۰ متر در خاک ما پیش آمدند. فتنه انگیزی مذکور حقیقتاً اقدام تجاوز کارانه ای بود و به این منظور صورت می گرفت که مدعیان شوینیستی دولت یونان نسبت به کورچا و ژيرو کاسترو به کرسی بنشینند. نیروهای مسلح جمهوری توده ئی البانی در برابر تجاوز ایستادند و آن را در هم شکسته دشمن را به کلی نابود ساختند.

در موقعی که نیروهای یونانی مرز های البانی را نقض می کردند دولت یوگوسلاوی به توسعه فعالیت خصومت آمیز مشغول بود و به منظور ارباب به نقل و انتقال ارتش در مرز های شمالی البانی، در منطقه استروژه و اهری، دست زد. در عین حال مراکز جاسوسی امریکا، انگلستان و ایتالیا عده روز افزونی از عوامل خرابکار را با چتر در البانی پیاده کردند تا با ایجاد اغتشاشات در پشت سر ارتش بپردازند. عناصر مرتجع در داخل کشور آماده آن بودند که به

کوه بز نند و دولت یوگوسلاوی تسلیح آنها را به عهده گرفته بود. این گروه ها، مرکب از بقایای «بالی کمبتار» و «لگا لیتتی»، پیش از آنکه به «قیام» خویش دست بز نند به وسیله ارگان های امنیت از بین برده شدند. کلیه این وقایع گواه آن بود که جمهوری توده ئی البانی با عملیات تجاوز کارانه و هماهنگ سلطنت طلبان فاشیست یونان، رویزیونیست های یوگوسلاوی و نئو فاشیست های ایتالیائی رو به رو است که تحت رهبری و با پشتیبانی امپریالیست های امریکائی و انگلیس انجام می یابد.

در چنین لحظات دشواری خلق البانی بیش از پیش در گرد حزب متحد شد و شور و شوق خود را در این که هر چه بادا باد از پیروزی های انقلاب توده ئی دفاع کند، ظاهر ساخت. هزاران نفر خواستار شدند که داو طلبانه اسلحه بر گیرند و به نبرد با تجاوز کاران بروند. بنابر تصمیم حزب و دولت به ده ها هزار دهقان اسلحه داده شد و آنان در کنار نیروهای امنیتی و مرزداران ارتش در نابود ساختن دار و دسته های عوامل خرابکار و جنایت پیشگان شرکت جستند. توده های زحمتکش بر مجاهدت خویش در اجرای وظائف اقتصادی افزودند و با این وسیله وفاداری خود را به حزب و قدرت توده ئی نشان دادند.

بازدید رفیق انورخوجه از مناطق شمالی در سپتمبر ۱۹۴۹ و تماس های وی با مردم، نقش مهمی در تحکیم پیوند حزب با توده ها و تقویت اعتقاد خلق به حزب و قدرت توده ئی داشت.

مبارزه حزب و قاطبه خلق برای غلبه بر این دشواری های استثنائی و به منظور در هم شکستن فعالیت امپریالیست ها و رویزیونیست ها با یک سلسله کامیابی های مهم قرین گشت که شامل عرصه اقتصادی نیز می شد.

حجم جمع آوری غلات در سال ۱۹۴۹ نسبت به سال ۱۹۴۸ در مورد گندم ۱۳۸.۸ درصد و در مورد ذرت ۲۵۵.۷ درصد افزایش یافت. گردش کالاها در سال ۱۹۴۹ نسبت به سال ۱۹۴۷ ۱۳۷.۷ درصد بود. اندازه محصولات جمع آوری شده بالا رفت، منابع جدید تولید در روستا ها به وجود آمد، وضع بازار بهتر شد و تأمین مایحتاج توده های زحمتکش رو به بهبود نهاد. ارتباطات اقتصادی میان شهر و ده و اتحاد میان طبقه کارگر و دهقان تحکیم گردید.

ادامه دارد...